بحثی ادبی و لغوی در مجله حقوقی (برادر تریاکت مردم را می کشد و اعلایت مرا)

مهدوی دامغانی

قیمه درست کدام است!؟

امیدوارم خوانندگان محترم پس از خواندن این سطور نویسنده را از اینکه دو سه‏ صفحه را در اینموضوع سیاه کرده است ملامت نکنند.

انگیزه تحریر این مختصر،رواج روز افزون تلفظ غلط(آنهم بطور فاحش)بعضی‏ کلمات و اصطلاحات است.و کار این غلطهای مشهور(که اتفاقا برخلاف ضرب المثل‏ معروف از صحیح مهجور آن کلمات در تلفظ و هم در تحریر ثقیلتر است)بجائی رسیده است که، آنکه کلمه را غلط میگوید،اگر ضبط صحیح آنرا از کسی بشنود گاهی بزبان حال و نگاه‏ (مانند نگه کردن عالم اندر سفیه)و گاهی بزبان قال در عالم خود باو اعتراض میکند. از آنجا که امروزه عنایت اکثر طبقات مردم بزبان عربی و قواعد آن کاهش یافته است و از طرفی با توجه بر اینکه هنوز که هنوز است بسیاری از کلمات و مصطلحات وضع شده از طرف‏ مرحوم فرهنگستان ایران همچنان متروک و غیر قابل استعمال مانده است و بیشتر مردم لغات‏ عربی را بر معادل فارسی آن در امور فنی و علمی و ریاضی و قضائی ترجیح میدهند،اینست که‏ گمان میکنم نوعی از«وجوب کفائی»باید اهل اصطلاح را وادارد که هر کس در زمینه فن‏ و اطلاعات خود چنین اغلاط را معرفی کند و تلفظ صحیح آنرا برای کسانیکه با آن الفاظ سر و کاری دارند بیان نماید.

تصور میکنم اکثر خوانندگان محترم،نام مرحوم دکتر سید ولی اللّه خان نصر را که‏ از فضلای با فضیلت و صاحب‏منصبان عالیمقام و امین دولت بود شنیده باشند(متوفی در 1322 شمسی).میگویند آنمرحوم،تصحیح دائمی اینگونه اغلاط را همیشه وجهه همت خود قرار داده بود و بسیار در اینکار مبالغه میفرمود،بطوریکه گاه‏گاه این رویهء او با وقایع‏ خوشمزه و شنیدنی همراه میشد.از جمله میگویند که در همسایکی آنمرحوم تریاکفرشی بود که از طرف انحصارات آنزمان تریاک باندرول شده،بمعتادین میفروخت و برای خالی‏ نبودن عریضه بعنوان اعلان روی شیشه ویترین خود نوشته بود:(تریاک اعلا).مرحوم‏ دکتر که هر روز از مقابل دکان این مرد میگذشت و بناچار نظرش بآن اعلان میفتاد،از غلطی که در آن بود رنج میکشید.بالاخره تاب نیاورد و روزی با همان وقار و متانت مخصوص‏ بخود بسراغ تریاکفروش رفت و پس از سلامی که مرد بینوا را بوحشت انداخت بیمقدمه‏ گفت:برادر،تریاکت مردم را میکشد!و«اعلا»یت مرا!!و وقتی که تریاک‏فروش‏ بیچاره با نهایت تعجب و لکنت زبان کیفیت این قتل نوظهور!را پرسید،مرحوم دکتر گفت‏ آلت قتل،همین«اعلا»ی وامانده است،مگر نمیدانی که هر وقت«الف»مقصور حرف چهارم‏ و آخر کلمه،باشد باید آنرا بصورت(ی)نوشت؟خواهش میکنم همین الساعه،این کلمه‏ غلط را بصورت صحیح خود که«اعلی»است تبدیل کن.گرچه مرد تریاکفروش بنابر ارادت قلبی و رعایت همجواری و بشکرانه خلاص یافتن از مجازات قتل!!أمر دکتر را فورا اطاعت و(اعلا)را حکم کرد و بجای آن(اعلی)نگاشت و بدینترتیب جان دکتر را نجات بخشید!ولی در دل آنقدر از تشویش و اضطراب و اصرار دکتر مشوش شد که خود را موظف دانست فورا بمنزل دکتر مراجعه نماید و از سلامت مزاج و اعتدال اخلاق و احوال‏ جناب دکتر نصر استعلام کند!!!و وقتی که دانست اساسا دکتر بچنین وسواسی مبتلاست‏ گفت:به‏به جناب دکتر داستان قیمه را تجدید فرموده است که از آن مومن پرسیدند(قیمه) با(ق)درست است یا با(غ)گفت بخدا که با هیچیک از اینها درست نیست(قیمه)درست آنست‏ که با گوشت خوب راسته و روغن کرمانشاهی و پیاز قمی و لپه تبریزی و لیمو عمانی ساخته شود.

داستان(هلاکو)ی آنمرحوم نیز سخت مشهور است که بآن دوست مراجع که نامش‏ هلاکو بود و بی‏توجه بضبط صحیح این کلمه آنرا(هلاکو)بفتح(هـ)تلفظ کرده بود فرمود:

من کسی بنام(هلاکو-بفتح هـ)را نمی‏شناسم آنکه من او را میشناسم(هلاکو)بضم‏ «هـ»است و ایشان هم آنقدر بی‏اطلاع نیستند که ضبط صحیح نام خود را ندانند.

باری از جمله کلماتی که گمان میرود بصورت غلط بیشتر تلفظ میشود تا بصورت صحیح‏ یکی کلمه(قضاة)جمع قاضی است که اکثر عوام و بعضی هم از خواص آنرا با تشدید(ض)بصورت‏ (قضات)تلفظ میکنند و ظاهرا ایندسته از خواص آنرا کلمه جمعی مثل(زهاد و کفار و طلاب و وعاظ)میپندارند و حال آنکه کلمه(قضاة)لفظ جمعی مثل کلمات(شکاة و کفاة و رواة)است‏ (بر وزن فرات یا کلاه)و وزن صرفی آن(فعله بضم فاء و فتح ع و لام)است.

برای مزید توضیح،جهت آن دسته از خوانندگان محترمی که بخواندن آن علاقمندند اضافه میکند که کلماتی که بر وزن«فاعل»اند و بیاء ختم میشوند(و اصطلاحا بآنها منقوص میگویند) مثل هادی و قاضی و شاکی بر(فعله)جمع بسته میشود چون لام الفعل در جمع قلب بالف میشود فعله‏ بصورت(فعاة)درمیآید و لذا در جمع آن میگوییم هداة و قضاة و شکاة و البته توجه خواهند داشت‏ که چنین جمعی با جمع معروف به(مؤنث سالم)که علامت آن الحاق(ات)بآخر مفرد است مانند مشکلات و موجودات و مستندات و اقدامات از هر لحاظ اعم از وزن و اعراب و نحوه بنا و حتی در نوشتن‏ فرق دارد(چرا که در رسم الخط عربی تاء آخر قضاة را باید تاء گرد(ة)نوشت و تاء آخر اقدامات‏ و موجودات و امثال آنرا کشیده(ت).

بعد از این پرگوئی ملقلق که طبیعة فقط معدودی از خوانندگان که بعلت تحصیلات خاص‏ یا حرفه خاص خود بآن علاقمندند،مجددا بطور خلاصه عرض میکند که توجه خواهند فرمود که‏ کلماتی مانند(قضاة و شکاة)را بتخفیف(ض)(و ک)و بر وزن(فرات و اطاق)تلفظ فرمائید.

کلمه دیگر از اینگونه کلمات(مدعی علیه)است که باید آنرا(مدعا علیه)گفت نه آن چنانکه بعضی بغلط(مدعین علیه)تلفظ میکنند یعنی مدعا را باید بر وزن(مصطفی و مرتضی)و علیه را بر وزن‏ (علیک در کلمه سلام علیک)تلفظ کرد.

دیگر کلمه ملحقات جمع کلمه(ملحق)است،بتخفیف قاف و بر وزن(مهملات یا مفردات) نه بصورتیکه بعضی باشتباه آنرا ملحقات با تشدید قاف تلفظ میکنند(مثل مختصات)دیگر کلمه‏ (مخوف)است که باید آنرا بضم(خ)و بر وزن(مصون)یا(ملوس فارسی!)گفت و حال‏ آنکه بعضی باشتباه آنرا بفتح خاء تلفظ میکنند و گویا چنین گمان میبرند که چون مخوف از مصدر(خوف)گرفته شده،باید مثل خود خوف تلفظ شود در صورتیکه چنین نیست و کلمه(مخوف) هم باید مثل همردیفهای خود(مصون و ملوم)ادا شود.

دیگر کلمه(عده)است بکسر(ع)بر وزن(فضه و ذمه)یعنی مدت زمانی که زن پس‏ از طلاق یا پس از فوت شوهر باید تأمل کند و پس از انقضای آن اجازه ازدواج مجدد خواهد داشت،بشرحی که در محل خود مقرر است،بسیاری از مردم بغلط این کلمه را(عده)بضم عین و بر وزن(قله یا غده)میگویند و حال آنکه عده بضم(ع)بمعنی ساز و برک جنگی و پشت و پناه‏ است و مورد استعمال آن در مورد زن مطلقه یا شوهر مرده نیست.

دیگر کلمه(شرکت)است که بعضی باشتباه آنرا بکسر(ر)میگویند و حال آنکه شرکت‏ را نیز مانند(خدمت و نسبت و حشمت)باید بسکون حرف دوم تلفظ کرد.

دیگر کلمات(عادی و فوق‏العاده و خارق‏العاده)است که گروهی اشتباها حرف دال را مشدد کرده و آنها را(عادی و فوق‏العادده و خارق‏العادده)تلفظ میکنند.باید توجه داشت که‏ لفظ(عاده)در کلمات دوم و سوم همان(عادت)است و عادی در کلمه اول نیز منسوب بعادت است‏ که در مورد الحاق یاء نسبت بآخر کلمات مختومه بچنین تائی(ت)آن حذف میشود و باید آنرا عادی و فوق‏العاده و خارق‏العاده بتخفیف(د)تلفظ کرد(بر وزن ساده و هادی).

دیگر کلمه(علیه)است که در بعضی ترکیبات مثل(دولت علیه-حضرتعلیه-سرکار علیه) میاید و بعضی(و گویا اکثر مردم و بیشتر باسوادان)آنرا(علیه)بکسر(ع)و تشدید(ل)و(ی) بر وزن(جنیه)تلفظ میکند و حال آنکه صحیح آن(علیه)بفتح(ع)و فقط تشدید(ی)است بر وزن‏ (قضیه و صبیه)زیرا که علیه مؤنث همین(علی)است.

اینگونه اغلاط یکی و دوتا و صدتا نیست اما خوشبختانه یا بدبختانه اکنون مجال بحث‏ بیشتر نمیباشد.تازه کلمات موضوع بحث اینمقاله از جمله کلماتیست که همه روزه بر زبان بسیاری‏ از مردم و طبقات ممتازه تحصیل کرده و گویندگان(رادیوی رسمی)مملکتی جاری است و اگر بخواهیم در مقام تصحیح کلماتی از قبیل(امنیت-دستمسک-صفت اصناف-طلاق‏ خلقی-نسل حدیث-استشاهد)که عوام الناس آنها را بجای(اهمیت-مستمسک-ثبت اسناد- طلاق خلعی-نص‏حدیث-استشهاد)بکار میبرند برآئیم(مثنوی هفتاد من کاغذ شود).

امیدوارم خوانندگان محترم که بعضی از کلمات موضوع این مقاله را همه روزه از این و آن میشنوند،بحقیر فقیر اعتراض نکنند که من اجتهاد در مقابل نص کرده‏ام و درحالیکه رادیوهای‏ مملکت بعضی از هیمن کلمات را بصورت غلط تلفظ میکنند من بیهوده قواعد زبان و صرف اسماء را برخ خوانندگان میکشم زیرا خوشبختانه آقای وزیر مشاور و سرپرست رادیو در مصاحبه خود بمردم قول دادند که برای اینکار چارهء بیاندیشند و گویندگان رادیو را با تلفظ صحیح آشنا سازند و زبان شیرین و فصیح پارسی را از چنین آلودگیهایی بپیراند.